



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

تحول مدیریت به عنوان یک زمینه میان رشته ای

چکیده

هدف: این مقاله می خواهد بینش درباره ارزیابی مفهوم میان رشته ای در آموزش مدیریت و علوم مدیریت ارائه کند.

طراحی/روش/رویکرد:

دامنه ای از آثار انتشار یافته اخیر با هدف فراهم کردن توصیه ای راهبردی و عملی است تا اینکه کتاب های نظریه ای مربوط به سازمان آموزش و تربیتی باشد که به افراد در انتقال معیار آکادمیک ضروری می باشد. منابع آن در این بخش ها ذخیره شده است و توصیه و تعلیم و تحقیق کلی و انتشارات و سازمانی ارائه می کند.

یافته ها:

این مقاله نشان می دهد که در تحول آموزش مدیریت و علم مدیریت زمینه میان رشته ای به صورت های متفاوت تدریس و تحقیق و انتشارات و سازمان ها ارائه می شود. هم به صورت سینوپسی و هم ابزاری می باشد. هر دو صورت باعث روش های دانش متفاوتی از رقابت و مشارکت می شود آن نشان می دهد که در هلند نسخه های ابزاری میان رشته ای در تحقیق مدیریت و آموزش رواج دارد.

محدودیت ها (مفاهیم) تحقیق:

این مقاله تحول و تکامل میان رشته ای در مدیریت آموزش علم مدیریت در شرایط آموزش عالی هلند را بیان می کند و فرض می کند که الگوی تحول آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت می باشد.

مفاهیم کاربردی: بین رشته ای بودن مفهوم پیچیده ای می باشد. این بررسی دانشی کاربردی برای پویایی مشارکت بین رشته ای ارائه می کنند.

منشأ/ارزش: اکثر آن درباره خط بین رشته ای در علوم و آموزش می باشد. به هر حال به سختی تحقیق عملی و تاریخی در این موضوع می یابیم.

کلمات کلیدی : بین رشته ای، تاریخ مدیریت، هلند.

نوع مقاله : تحقیقی

مقدمه :

بسیاری از نظریات مدیریتی تمایز پیوسته و ملاحظات از یادگیری و تحقیق دانشگاهی در مدیریت ارائه کرده اند. *Whitney* بیان می کند که بررسی های مدیریتی با اهداف ادراکی متمایزی و روش های متفاوتی و تفاسیر متعددی از ادراکات ناپیوسته بیان شده اند. آنها با یکدیگر مذاکره کرده اند به جای آنکه بر مبنای کار قبلی ارائه شده باشند. *Cheit* در بررسی تاریخ مدیریت بیان کرد که ماهیت ضروری مدیریت در هر جایی دیده می شود. برخی متفکران مدیریت استدلال کرده اند که این دامنه و برنامه ها باید با تعالیم جدیدی همراه شود. دیگران کاهش تعداد مدارس تفکر تا تعداد محدودی از اهداف مهم آن را بیان کرده اند. نظریه پردازان مدیریتی دیگر امید دارند که یک زمینه میان رشته ای را می توانیم به عنوان «بدون محل» (بدون ابعاد فضایی) در نظر بگیریم که توسعه مدیریت و بررسی های تجاری را به عنوان علم میان رشته ای تشویق می کند. دامنه جدیدی از هویت جدید با یک دامنه زمینه های متفاوت شکل می گیرد. *Knights & Willmott* مشاهده کردند که با وجود این حقیقت که تقاضای جدی برای تحقیق میان رشته ای و تدریس در چند دهه اخیر وجود دارد موارد دیگری هم ارائه شده است. تمایز و ملاحظات در تولید دانش ینامیک در سیستم آموزش عالی در جوامع مدرن ایجاد می کند. اگرچه بسیاری از متفکران مدیریتی به ایده آل میان رشته ای در مدیریت و دانش و آموزش اشاره کرده اند. در این مقاله ابزاربندی بررسی های مدیریت را به عنوان زمینه آکادمیکی در سیستم آموزش عالی هلند بیان کرده ایم و استدلال کرده ایم که افزایش بررسی مدیریت در دهه 1960 تا 1970 در هلند را باید به عنوان پاسخی به سیستم آموزش عالی سخت در نظر بگیریم و سپس استدلال کردیم که سازمانی کردن بررسی های مدیریت در سیستم آموزش عالی هلند در شرایط مباحثات گسترده تری درباره نقش چند رشته ای آن در آموزش عالی اشاره دارد. در نهایت امیدواریم نشان دهیم که مدیریت زمینه آکادمیک پیچیده ای است که به منظور پیشرفت نیاز است سپس فرآیند سازمانی شدن مدیریت اصولی را در سه مرحله ارزیابی کرده ایم. نظریات مدیریتی دیگر امید دارند که به عنوان مکمل آن باشند. سپس فرآیند سازمانی شدن بررسی های مدیریت در سه

فاز را ارزیابی کرده ایم. در فاز اول تحول اقتصاد تجاری را به عنوان خط مشی آکادمیک ارائه کرده ایم. در فاز دوم جامعه ای را بیان کرده ایم که نیازی برای برنامه های آموزش مدیریت میان رشته ای ارائه کرده است که جایگزین اقتصاد تجاری می باشد. در فاز سوم 1960-70 بررسی کردیم که چگونه آموزش مدیریت میان رشته ای اول برنامه ای است که با سیستم آموزش عالی هلند سازگار شده است. سپس توصیف پیشرفت اصلی آن ر بررسی های مدیریتی پس از برنامه آموزشی مدیریت اول را بیان کردیم.

ایده میان رشته ای :

اگرچه اصطلاح میان رشته ای کاملاً جدید نیست ایده اصلی یکپارچه سازی یا ساخت منابع دانش سرتاسر تاریخ فلسفه دانش غربی است. فیلسوفان مهم هم درباره آن مواردی ارائه کرده اند. اکثر فلاسفه نگرانی هایی درباره ملاحظات آموزشی بیان می کنند. در شرایط آکادمیک قبلی میان رشته ای به مفهوم دو برابر جامعه اصول اشاره دارد و به جامعه معلمان و دانشجویان اشاره می کند. این ایده ها با یک الهام بخشی لئوناردی ایجاد شده اند. انسان جامع شناخته شده که در تمام علوم صلاحیت مهارتی داشته باشد نسخه های معروف این ایده آل *Utopian* ترکیب دانش در آموزش در این زمینه در فلاسفه آموزش قرن بیستم انعکاس یافته است. ایده مدرن یان رشته ای در ابتدا پاسخی به افزایش تخصصی شد و تکمیل دانش در اصول علمی اشاره دارد که طی اواخر قرن نوزدهم شروع شد و صورت های زیادی در تحقیق و آموزش ایجاد کرد. در تحقیق غنی آن دیدگاه ابزاری مشاهده می شود. دیدگاه اجمالی یک مرتبه طبیعی اشیاء را فرض می کند. آنها ترکیب شناخت طبیعت را بطور کل بیان می کنند که برای دامنه مسائل گسترده ای کاربرد دارد. یک مثال شناخته شده دیدگاه مختصر «وحدت علم» است که باعث ایجاد حلقه ویونا در 1924 شد. منطق گرایان مثبت گرا مثل رادولف کانارپ و اوتونوراث و چارلز موریش استقرار مبنایی برای فلسفه علوم اجتماعی و طبیعی در پروژه خود ارائه کردند. ایده وحدت علم مورد انتقاد بسیاری از دانشگاهیان برجسته قرار گرفت. *Dewey* یکی از مهمترین منتقدانی بود که استدلال کرد که اصطلاح تمام علوم در اصطلاحاتیک علم تعریف می شود. مثال دیگر میان رشته ای بودن مختصر نظریه سیستم های کلی می باشد. از دهه 1950 نظریه سیستم های کلی با توجه به کار *Bertalanffy* و *Bovlding* و *Asby* و *Simon* ایجاد شد که در علوم اجتماعی و اقتصادی ایجاد شد تا یک تفکر سازمانی مکملی ایجاد کند

اما همیشه تناقضی بود. آن در برابر تفکر *fyscalist* و دیدگاه مکانیستی وحدت جابجایی علوم انتقاد می کند. طی دهه 1970 نظریات سیستم های کلی با مفهوم میان رشته ای بودن شناسایی شد. اگرچه نظریات سیستم های کلی کاربرد زیادی از این نظریات را نشان می دهد. در دهه 1980 این نظریات به علت رسمی بودن زیاد و درجه بالای بودن آن مورد انتقاد قرار گرفت. پروژه منهن منهن معروف بود که در آن صنعت و دانشگاه و دولت آمریکا مشارکت داشتند. طبق نظر *Klein* دو دلیل اصلی وجود دارد که پروژه های با محوریت جلسه کاری برجسته می شوند. اولی این است که دانشگاه ها مقادیر پول قابل توجهی از دولت برای این نوع تحقیق بدست آوردند. دلیل دوم افزایش آگاهی از مسائل واقعی جامعه بود. ظهور تحقیق عملیاتی به صورت میان رشته ای بودن در آمریکا و بریتانیا طی جنگ دوم جهانی بر اساس این دیدگاه ابزاری بود.

مباحثه درباره آن به صورت تحقیق بیان شده است. دو دیدگاه درباره اصلاحات آموزشی بیان شد. که دیدگاه گسترده ای از دو حقیقتدر تمام رشته ها وجود داشت. معروف ترین مثال کتاب قرمز هاروارد به نام «آموزش عمومی در جامعه آزاد» می باشد که در 1945 چاپ شد که معیار اصلی تمدن غربی را بیان می کند و متون ادبی و اصول علمی و ترکیب اقلیتی را با دوره اضافی در هر انسان گرایی و علوم اجتماعی و طبیعی بیان می کند. ر دیدگاه ابزار، میان رشته ای بودن در آموزش ارتباط زیادی با یادگیری بر مبنای مسأله دارد. یادگیری باید با هدف حل مسائل در جامعه باشد.

عصر قطعه جادویی :

طی دهه 1960 و 1970 مباحثی درباره میان رشته ای بودن باعث اقدامات واضحی شد که باعث برنامه های آموزشی و تحقیقی جدیدی در زمینه های علمی متفاوت شد. ایده اصلی این اقدامات این است که نتایج علوم باید در عمل باشد و آموزش هم ارتباط نزدیکی با فعال گرایی سیاسی داشته باشد. به هر حال اجرای تحقیق جدید میان رشته ای و برنامه آموزشی دانشگاه های اروپا و آمریکا طی این عصر جادویی در گزارش معروف *OECD* (1972) به نام میان رشته ای مسائل تدریس و تحقیق دانشگاهی بیان شده است. به هر حال تصویر کامل آن بر اساس *archipelago* است که در جزایر آن است. با این وجود اشتیاقبرای آموزش میان رشته ای و

تحقیق در دهه 1980 ادامه یافت. مشاهده شد که در دهه 1980 کمپ های آمریکایی شاهد ادامه مراکز میان رشته ای هستند که دانشکده ها می خواهند از بخش های کشور خودشان گریز داشته باشند.

تناقض میان رشته ای :

ساختارهای آکادمیک میان رشته ای را می توان به عنوان پیش بینی برای بررسی های میان رشته ای جدید بیان کرد که *Klein* آن را تناقض میان رشته ای نامیده است که زمینه میان رشته ای و اصول مورد نیاز ساختاردهی آن را بیان می کند. تناقض میان رشته ای نشان می دهد که جابجایی های میان رشته ای در جای قوی است که ساختار اصول آن رواج دارد. اصول آن را می توان به عنوان واحدهای اصلی مؤسسات آکادمیک مدرن در نظر گرفت که دیدگاه طبیعی و غیر موقتیکار علمی را درک کرده و طی نیمه دوم قرنوزدهم آن را شروع کرده اند. بسیاری از فیلسوف ها و دانشمندان سعی کرده اند که معیار یا روش هایی را بیان کنند تا دامنه شناختی و ماهیت اصول علمی را بیان کنند به هر حال تحقیق عملی برای تاریخ دانش آن ماهیت پیوسته ای از اصول آن را بیان کرده است که تحول علوم مختلف را هم نشان می دهد. با در نظر گرفتن ماهیت پیوسته اصول و غیرممکن آن برای بازیابی و اصول آن بیان می شود. اصول آن در دیدگاه *Kohler* به عنوان سازمان های سیاسی با زمینه های بازاردایی از قلمرو آکادمیک است که مسؤولیت های کارشناسی را اختصاص می دهد. در این دیدگاه نشان می دهد خط مشی های آکادمیک در محیط آموزشی سیستم آموزش عالی گنجانده شده اند. بنابراین ابزاری کردن علم در اصول آن را نباید به عنوان پیشرفت هوشمندانه و سازمان دانش علم در اصول آن در نظر گرفت بلکه در عوض به صورت پیوسته تغییرشکل و تبدیل می باشد در محیط سازمانی سیستم آموزش عالی ملی یا طوریکه *Gass* بیان می کند علاوه بر تأکید *Kuhn* بر اقدامات و فرآیندهای اجتماعی در ساختار پارادایگم علمی *Becher* بر رابطه بین ماهیت دامنه دانش و سازمان اجتماعی فرهنگ اصولی تأکید دارد که مفهوم قبيله آکادمیک را برای آن بیان کرده است. با این مفهوم *Becher* دیدگاه انسان شناسی در دینامیک اجتماعی و بین اصول آن ارائه می کند. در مرزهای اصول متفاوت آن تا اندازه نفوذ آنها در علوم و بین علوم متفاوت است. ما در این مقاله موارد بین اصولعلمی متفاوت و بین علوم و غیرعلمی ارائه کرده ایم.

راهبردهای مرزی (کرانی)

یک مورد مهم ایجاد دامنه دانش اصلی این است که کارشناسان حرفه ای با زمینه اصول متفاوتی در آن مشارکت کرده اند. یک نقطه اصلی در دیدگاه ما این است که اصول آن محصولی از سه روش مرزی است. این روش ها از تضادها یا موارد مشترک تمایلات دانشمندان و افراد دیگر در قلمرو دانش ریشه گرفته است. به این دلیل دامنه های دانش دائماً با روش های کرانی سرمایه گذاران آن ایجاد شده است و این سه روش را به اختصار بیان می کنیم :

انتزاع به تجسم زدایی معانی از موقعیت و شرایط موقتی آن اشاره دارد. آن به عنوان روش مهمی برای تعریف و کنترل در نظر گرفته می شود. قابل ذکر است که انتزاع نوعی از کاهش گرایی است. این روشالبته دانش از عملکرد آن جدا شده و مشروعیت خودش را از دست می دهد. انحصاری کردن هم به فرآیندهایی اشاره دارد که دانشمندان و حرفه ای ها در ادعا و بستن زمینه ای از دانش و تفسیر این دانش موفق می شوند. یک محصور کردن موفق قلمرو دانش با یک گروه خاص به فرآیندی اشاره دارد که دانشمندان و متخصصان در ادعا و انحصار قلمرویی از دانش موفق می باشند درحالیکه اصول در نتیجه جداسازی آن می باشد. محصور کردن و جداسازی آن در قلمرو دانش آن بیان می شود. این روش ها فعالیت های مشارکتی بین دانشمندان برای دستیابی به اهداف مشترک خاص و حل تناقضات اصلی آن اشاره دارد. روش های مربوطه وسایلی برای کاهش تضادهای حرفه ای و تمایل برای جابجایی منابع برای ایجاد قلمرو دانش جدید می باشد. راهبردهای مربوطه موقتی هستند و اهداف آن بدست می آید.

شکل گیری یک اصل (خط مشی)

افزایش بررسی های میان رشته ای پس از جنگ دوم جهانی را می توان با زمینه ای از توسعه این زمینه ادراکی جدید در دوره قبل از جنگ بیان کرد. *Locke* نشان داد که در این دوره تحول بررسی های مدیریتی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. میراث آموزشی و الگوهای متفاوت توسعه صنعتی بر روشبررسی های مدیریت تأثیرگذار است. تفاوت اصلی بین شرایط هلند و آمریکا این است که هلند قبل از جنگ دوم جهانی اصول آکادمیک جدیدی ساخت و همزمان مدیریت در آمریکا زمینه تحقیق وسیعی شد. با وجود این تحول ظریف

بررسی های مدیریت مدارس تجاری آمریکا رشد سریعی از استخدام دانشجویان در دوره پس از جنگ مشاهده کردند. از 1920 تا 1929 جمعیت دانشجو در مدارس تجاری از 36456 تا 67496 افزایش یافتند. تعداد مدارس تجاری از 12 تا در 1912 تا 120 تا در 1939 افزایش یافت. اما بدنه دانش یکپارچه ای وجود نداشت و موقعیتی که مدارس باعث افزایش تفکیک این دوره شد که بر روش و مهارت های حرفه ای تمرکز داشت. به علاوه دوره مدارس تجاری انفجاری در موضوعات و دوره های آنطی دهه 1920 مشاهده کرد که باعث ابهامی در ارائه این دوره شد. در دهه 1920 و اوایل 1930 انتقاد درباره تقسیم این دانش مدیریتی در موضوعات خود شمول افزایش یافت. پاسخ اصلی برای این افزایش ملاحظات در مدارس تجاری آمریکا یک نظریه کلی برای مدیریت ارائه نمی کرد. هاروارد به این پاسخ آن را آموزش لیبرال تجاری نامید که با وارد کردن منابع در تاریخ تجاری هاروارد «ناتوانی رهبری تجاری از مسؤولیتی برای دانشگاه ها ایجاد شد» در مقایسه با شرایط آمریکا توسعه بررسی های مدیریتی در آموزش عالی هلند در زمان بین جنگ هم مسیر کاملاً متفاوتی ارائه کرد. آموزش تجاری آکادمیک در هلند در 1908 شروع شد که توسط *Volmer* بود که یک حسابرس و پروفیسور دانشگاه فنی بود. اولین مدرسه تجاری هلند طی جنبش مدارس تجاری در آمریکا و اروپا شروع شد. دانشکده تجاری دانشگاه آمستردام همدر 1921 بود و مدرسه تجاری کاتولیک مستقل *Tilborg* در 1927 تأسیس شد. در این مدارس تحول *Pedrijslcer* نامحدود بود و زمینه دوره تجاری و صنعتی آن در یکپارچه سازی هدف رسمی آن بود. دوره هایی در تکنولوژی و زبان و مدیریت دانش همگی بخش از این دوره مدارس بودند. تا اوایل دهه 1920 زمینه مدیریت بدون یک چارچوب ساختگی بود. حسابداران بسیار ابهام داشتند که فعالیت های کنترل و مالی از وضعیت حسابرسی معمولی آن را نشان دهند.

حسابداران آنهایی که قابلیت انجام کار حسابداری پیچیده را نداشتند حذف کردند. در یکی از سازمان های حرفه ای حسابداران استانداردهای علمی برای بررسی های شغلی ارائه کردند. با دانش مدرن حسابداران مدیریت را به اصول آکامیک جدیدی انتقال دادند. ارتباط زیادی در زمینه کار علمی آنها در سازمان های حسابداری در دوره مدارس تجاری آکادمیک صورت گرفته است. جداسازی محتوای کار حسابداران و آموزشی هم برای جداسازی مهندسان از بخش های مدیریت مالی و اجرایی بود. با ارائه نظریات اقتصاد در بررسی های تجاری حسابداران در انحصاری کردن درک فرآیندهای تجاری در دیدگاه علمی و اقتصادی موفق شدند. مهندسان روش انحصاری

حسابداران را به کار گرفتند. تلاش های اندکی برای استقرار علم مهندسی میان رشته ای صورت گرفت چون حمایت کافی پروفیسورهای مهندسی وجود نداشت که مهندسی را با اقتصاد ترکیب کنند این تلاش ها ناموفق شد. طی دهه 1920 و 1930 جامعه اقتصاددانان تجاری ماهیت اصول جدید را تعریف کردند. این دانشمندان تجاری بررسی کردند که چگونه ماهیت اصول جدید آن را بیان می کنند. مباحثه با روان شناسانی که دامنه مدیریت 1 مورد حمله قرار داده بودند صورت گرفت.

اقتصاددانان تجاری هلندی در دو قبیله آکادمیک قرار گرفته که شامل الگوگرایان و *dogmatist* بود.

Pragmatist با دانشمند آمریکایی *Clark J.M* ارائه شد که ایده جدید از مفاهیم متفاوت اهداف آن را بیان می کند. هدف نهایی این علم اقتصاد جدید این بود که عمل را حفظ کند. دیدگاه *ethnocentric* اقتصادی هم وجود داشت آنها فکر کردند که عوامل انسانی باید از اقتصاد درجه 1 شود. فرآیند رشته ای شدن بررسی های مدیریت در اقتصادهای تجاری با رشته ای شدن سازمانی مدارس تجاری دانشگاهی همراه اند. طول مدت بررسی طولانی شد و برنامه دکترا هم توسعه یافت و اشتیاق برای برنامه های فارغ التحصیلی کاهش یافت و دوره های کاربردی و غیر اقتصادی حذف شد.

آموزش مدیریت میان رشته ای

مبنای مدارس مدیریت میان رشته ای هلند در دهه 1960 و 1970 بود که با اصلاحات سازمانی جدید از سیستم دانشگاهی بود که مستقیماً پس از جنگ دوم جهانی بود در اصلاحات در اقتصاد پس از جنگ ایجاد شد. حداقل سه توسعه اصلی پس از جنگ بررسی های مدیریت را توسعه داد. اولین مورد آن افزایش انتقادی بین دانشگاهیان در موقعیت جدا شده و موقعیت یابی دانشگاهی در جامعه هلند بود. مباحثه درباره نقش دانشگاه ها در جامعه هلند در اوایل دهه 1930 شروع شد. اما طی زوال اقتصادی که در دهه 1930 شروع شد. با این وجود تفکری درباره اصلاحات جنگ صورت گرفت طول مدت زیاد بررسی های آکادمیک باعث افزایش ملاحظات آن شد. اگرچه اصلاحات ساختاری زیادی در سیستم آموزش عالی صورت گرفت در کوتاه مدت بود که اصلاحات آن

اقلیم مطلوبی برای توسعه با برنامه های آموزشی میان رشته ای ایجاد کرد. توسعه دوم آن برای صنعت برجسته بود که به عنوان دسته ای از مدیران حرفه ای بود که باعث بازسازی صنعت پس از جنگ شد.

توسعه سوم آن مربوط به جریان ایده های آمریکایی درباره مدیریت آموزش مدیریت در دوره پس از جنگ شد. تا دهه 1950 مفاهیم آموزش مدیریت و بین رشته ای در دنیای تجاری و آکادمیک ایجاد شد. تصور نمی شد که مدیریت حرفه ای به خودی خود باشد. ایده های جدیدی درباره آموزش افراد جوان تصور نمی شد شامل مفاهیمی از آن می باشد. این به سرعت پس از وارد شد ایده های آمریکایی درباره آموزش مدیریت در چارچوب کلی کمک مارشال تغییر کرد. صدها دانشگاه تجاری هلندی و نمایندگان جوامع تجاری به کل اقیانوس آتلانتیک سفر کردند که مفاهیم و روش هایی برای مدیریت شغلی مدرن ایجاد شود. همزمان بسیاری از مدیران، مشاوران و پروفیسورهای آمریکا هم آن را انجام دادند و به آن پرداختند.

جنبش آموزشی مدیریت میان رشته ای

افزایش جنبش میان رشته ای هلندی برای آموزش مدیریت منشأ آن در قرارداد دانشگاه آموزش مدیریت (ICU) است که در 1951 تأسیس شد. آن با گرده بین المللی کوچک پروفیسور مهندسی شروع شد اما آگاه شدند که مدیریت نمی تواند از دیدگاه مهندسی و اقتصاد و روان شناسی و جامعه شناسی آن را بیاموزد ایده های آمریکایی درباره مدیریت آموزش بود. در عوض در دوره قبل از جنگ که تضادهای علمی و روش های انحصاری کردن غالب بود راهبردهای مرتبطی از مهندسان و اقتصاددانان تجاری و روان شناسان و جامعه شناسان و نمایندگان صنعتی شروع شد که با هم در چارچوب اهداف مشترک ICU کار می کردند. با وجود این روش ها Clash هوش شرکتی بین اقتصاددانان تجاری و روان شناسان و جامعه شناسان وجود داشت.

اولی آن با توجه به ایده های *pragmatic* آمریکا بود و درباره مدیریت و آموزش به ویژه عدم وجود خط مشی قوی در علم مدیریت آمریکا بود. پس اقتصاددانان تجاری دیگر ایده های جابجایی روابط انسانی را در وضعیت عامل انسانی در مرکز مدیریت مدرن قرار ندادند. اقتصاددانان تجاری استدلال کردند که عامل انسانی برای تصمیم گیری مدیریت در عمل مهم است و از تحلیل اقتصادی جدا می شود. این تضاد حوزه علمی باعث شکل گیری

خط مشی تجاری جدیدی شد و در بخش خط مشی و سازمانی در ادامه مدیریتی قرار گرفت. دهه 1950 با روش های مرتبط پیش حرفه متفاوت در آموزش مدیریت همراه بود. تلاش های آنها باعث ایجاد مؤسسات آموزشی چند خط مشی شد که عدم امکان پذیری وارد کردن اصلاحات آموزشی در دانشگاه هم نگرشی محافظه کارانه دانشگاه ها برای ابداع های مربوط به آن را بیان می کند.

تقریباً تمامی مباحث اقتصاد و مهندسی بر آموزش اقتصاد و مهندسی تمرکز کرده اند. مفهوم تغییر اختصاصی کردن در آن زمان پیدا شد.

افزایش مؤسسات دارای هدف عالی

نتایج آموزش مدیریت میان رشته ای در دهه 1950 بود. بزرگترین موفقیت آن مبنایی برای آموزش مدیریت آن بود که به دانشگاه ها ارتباط داشت. طی دهه 1960 این شرایط تغییر کرد وقتی که جنبش میان رشته ای پشتیبانی های زیادی از محیط خارج از دانشگاه بدست آورد. اندرسون این دوره را یک قطعه جادویی در تاریخ میان رشته ای نامید. این ها دو توسعه اصلی بود که در افزایش برنامه آموزشی مدیریت میان رشته ای نقش دارند. اولین مورد تقاضای آموزش برای دنیای تجاری بود. نماینده برجسته چند ملیتی هلند با پیشرفت آهسته فرآیند بازسازی سیستم آموزش عالی هلند همراه بود. این کارها شامل جریان های رو به رشدی از متخصصان دانشگاهی بود که همگی با زبان تخصص خودشان صحبت می کردند.

تدریس جدی وجود داشت که مشارکت آنها به همراه تخصص جدا شده از آن باشد دومین مورد آن مشارکت ادراکی نظریه پردازان برجسته مدیریت آمریکا مثل هربرت سیمون و ریچار *Cyert* و جیمز مارچ بود که بر تصمیم گیری و منطق مشترک و *dictum* غیر ماکسیمم تمرکز کرده بود. آن مبنایی برای نظریه های اقتصاد کلاسیک ایجاد کرد. *Cyert* و *March* در کتاب خود به نام نظریه رفتاری شرکت پیشرفت دانش مدیریتی را به صورت روش تصمیم گیری عملی و القایی و چندگانه در سطح میکرو ایجاد کردند. این علم مدیریت جدید مباحثه ای بین اقتصاددانان تجاری هلند درباره ماهیت اصولی بررسی های مدیریتی و تجاری ایجاد کرد. در این موقعیت های نهایی بسیاری از پروفیسورها موقعیت هایی در این بحث ارائه کرده اند. روش ساختگی *Meiy* هم بر

فکر میان رشته ای تأکید کرد که برای درک اطمینان روش های متفاوت و انتخابی در نظر گرفتن تمامی ملاحظات آن می باشد. به هر حال اکثر آنها اصول تجاری داخلی خود را داشتند اما می خواستند ک اقتصاد تجاری را با ایده های علوم مدیریت جدید ترکیب کنند. مدارس تجاری جدید با یک سنت طولانی هلند شروع شد. در فرآیند مدارس تجاری در سیستم آموزش عالی یک دیدگاه ابزاری در میان رشته ای بودن آن ایجاد شد. طی دهه 1960 پروفیسورهای اصول متفاوت و دانشکدهها و دانشگاه ها با یکدیگر کار کردند تا برنامه های تجاری میان رشته ای ایجاد کنند. اکثر این برنامه ها بر یک مبنای آزمایشی مقیاس کوچک بود. (Grant & Riesan از اصطلاح مؤسسات *telic* برای این توصیف اصلاحات فرضی استفاده کردند که حس قوی تمایز را ایجاد می شود. جنبش میان رشته ای در آموزش مدیریت هلند ابتدا از یک تقاضای آموزشی ایجاد شد. برخلاف نظریه پردازان مدیریت آمریکا، هلند مدارس تجاری جدیدی اختصاص داد که درباره توسعه دانش مدیریت جدیدی در آینده ایجاد شده بود. دلایل آنها برای آموزش تجاری میان رشته ای با انگیزه های سازمانی آن همراه بود یعنی با موقعیت کاربردی آن همراه بود در دوره دهه 1970 و اوایل 1980 نظریه تا اندازه ای به نسخه مختصر جدیدی از میان رشته ای تغییر کرد که بر مبنای تعریف دوباره مرزهای اصول مدیریت کاربردی بود هدف اصلی این روش اصلاح تحریک تفکر انعکاسی در رابطه با مسائل پیچیده مدیریتی بود. طی این سال ها میان رشته ای ارتباط نزدیکی با نظریه سیستم های کلی و نظریات پیچیده تصمیم گیری یافت که هر دو نوع نظریه باهدفی بود که سازگاری دیدگاه های آن را ارزیابی می کرد.

عواقب بعدی میان رشته ای

این مؤسسات *telic* از زمان تأسیس آن در دهه 1960 و 1970 تغییر قابل توجهی یافته است. این مؤسسات آموزشی که با اصل آموزش عالی تقویت شد برای سیستم منظمی از آموزش عالی بود. برنامه های اجرایی تجارت میان رشته ای در مدارس و در دوره سال هایی بود که بسیاری از مفاهیم میان رشته ای آن تغییر یافت سال های بعدی عصر طلایی اضافه مؤسسات *telic* بود. آن به عنوان مونتاز خوبی از مفاهیمی درباره کار سازمان ها بود که واقعیت پیچیده ای را نشان می داد. نوع مشابه انتقاد آن در برابر نظریات منطقی تصمیم گیری در مدیریت بود چنانکه بیان کرد تصمیم گیری فقط یک جنبه از فرآیند کل مدیریتی می باشد. دانشمندان مدیریت بر این

جنبه اجرای آن تأکید کرده اند درحالیکه بخشی درباره میانرشته ای بودن در هلند بیان شد آن موضوع شدیدی شد و مباحثات جهانی پس از چاپ بررسی *Burrell & Moragin* درباره تأثیر الگوهای روانشناسی در تحلیل سازمانی ارائه شد. نویسندگان متقاعد شدند که الگو بطور و جنبه ای امکان بود ساخت آن امکان پذیر نمی باشد چون صورت های حذف آن متناقض می باشد. تأثیر مباحثه *Morgan* و *Burrell* دیدگاه فلسفی قانونی و پذیرفته شده ای در مدارس تجاری شد. آن بسیاری از پروفیسورهای مدیریت در مدارس تجاری را راحت کرد. بازنگری جدی هستی شناسی ارزیابی نظریات مدل و روش های آن دیگر یک ایده آل آکادمیک مشترکی نبود. به علاوه در مارس تجاری در سیستم های آموزشی دیگر نیازی به قانونی کردن از میان رشته ای آن وجود نداشت. آنها احساس کردند که اثبات می کند که مدیریت خط مشی واقعی در نظریات خودشان و مفاهیم و روش ها و مجلات و سیستم های خودشان می باشد. این به شرایط متناقضی انجامید که در آن مباحثه گسترده ای درباره آن در دهه 1980 ایجاد شد و زمینه های فرعی آن را استقرار داد. حتی دوره های گسترده ای مثل راهبرد و سیاست گذاری و سازمان هم به صورت اختصاصی عمل می کرد. میان رشته ای به سادگی با دانشمندان با زمینه های اصولی غالبی در مجاورت نزدیک آن ایجاد شد.

نتایج

مدیریت به عنوان یک زمینه آکادمیک تحقیق و آموزش با افزایش ملاحظات و شاخه ای شدن آن ارتباط داشت. *Koontz* هم منابع متفاوتی از بزرگ شدن ذهنی در جنگل نظریه مدیریتی ارائه کرد. مسائل معنایی متفاوت در تعاریف مدیریت به عنوان بدنه دانشی بود که ناتوانی و ناخواسته بودن یکدیگر را درک میکردند. با مشخص کردن آن معانی ظاهری اما مکانیسم های اجتماعی در تولید دانش مدیریتی *Koontz* ثمر مراحل اولیه دانش و بیان کرد که هیچ کدام را در نتیجه استدلال منطقی در نظر نمی گیرد. آن به عنوان یک ساختار اجتماعی بود در نتیجه آن هم کار تمیز شرکت کنندگان بود که در فرآیند مذاکرات پیچیده ای شرکت داشتند و قدرت هم در آن نقش داشت. در این مقاله ما بر روی این مرکز کرده ایم که چطور قبایل آکادمیک متفاوت سعی دارند تا از اصول و خط مشی خود دفاع کنند. تاریخی که توصیف کرده ایم آن را بطور پویایی بیان می کند. در لحظه ای که قبيله آکادمیک خاصی به انحصاری شدن نزدیک می شود تضادهای حاشیه ای در مورد موارد دیگر دنیای تجاری ایجا

می شود که متدهای واضحی برای راهبرهای اصولی آن ارائه می کند. سعی کرده ایم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا مدیریت میان رشته ای است با دیدگاهی تاریخی است. در شرایط هلند نتیجه می گیریم که ورژن های سینوپسی میان رشته ای در مارس تجاری جدید ریشه نمی گیرد. امروزه و در آینده میان رشته ای بودن در بررسی های مدیریتی چالش آموزش و ادراکی ویژه ای است. عقیده نداریم که تغییر ادراکی با یکپارچه سازی هستی شناسی حل شود. یک یکپارچه سازی باعث کاهش و ناکافی شدن نظریات می گردد. ما فکر نمی کنیم که روش مسأله صرفه کارشناسی کاملی در میان رشته ای منجر گردد. این اکولوژی بر یکدست بودن اهداف و روش ها و نظریات آن تأکید ندارد بلکه بر اهمیت عملکرد اجتماعی بین اصول آن تأکید دارد. چالشی برای مدارس تجاری و تحریک واکنش بین این اصول بیان می شود و برای اجتناب از گیر کردن در میانه راه است که عمق و پهنای آن را افزایش می دهد. یکی از بزرگترین موارد اشتباه در آموزش دانشگاهی غالباً به عنوان رویدادی یک مورد است به جای آنکه فرآیند یادگیری درازمدت باشد.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی